

Submit Date: 04 May 2026

Revise Date: 18 September 2026

Accept Date: 27 September 2026

Initial Publish: 10 October 2026

Final Publish: 20 February 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Jurisprudence of Resistance and Countering Soft Threats to Internal Security

Eftekhar Daneshpour^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Imami Jurisprudence and Law, Faculty of Jurisprudence and Law, University of Religions and Denominations (International University of Islamic Denominations), Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: e.daneshpour@mazaheb.ac.ir

ABSTRACT

The jurisprudence of resistance, as an important branch of Islamic jurisprudence, is concerned with elucidating the Sharia rulings and legal principles governing resistance to oppression, the defense of rights, and steadfastness against aggressors. Using a descriptive-analytical method and library-based sources, this study seeks to evaluate and explain a theoretical framework grounded in the doctrine of authentic resistance in Islamic thought for confronting soft warfare and maintaining internal security and stability. The findings indicate that the jurisprudence of resistance rests on robust foundations, including the principle of negation of domination (nafy al-sabil), the principle of preventing hostile infiltration, the obligation to defend the integrity of Islam (defensive jihad), the principle of no harm (la darar), the principle of preserving the social and political order, the principle of justice, and the principle of dignity. Each of these principles has considerable potential for developing a theoretical framework for countering soft threats. The culture of resistance, through such components as opposition to hegemonic domination, a jihad-oriented spirit, and the revitalization of religious identity, also provides a clear perspective for achieving sustainable internal security. The Islamic defense system encompasses three categories of jurisprudential propositions—security-generating rules, security-threatening factors, and the rulings and regulations governing warfare—which together provide a comprehensive framework for safeguarding national security. Accordingly, by offering robust theoretical foundations and practical strategies, the jurisprudence of resistance can serve as an effective roadmap for countering soft warfare and strengthening internal security.

Keywords: jurisprudence of resistance, internal security, soft threats, soft power, foundations of resistance, counter-strategies

How to cite: Daneshpour, E. (2026). Jurisprudence of Resistance and Countering Soft Threats to Internal Security. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(6), 1-19.



تاریخ ارسال: ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵
 تاریخ بازنگری: ۲۷ شهریور ۱۴۰۵
 تاریخ پذیرش: ۵ مهر ۱۴۰۵
 تاریخ چاپ اولیه: ۱۸ مهر ۱۴۰۵
 تاریخ چاپ نهایی: ۱ اسفند ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

فقه مقاومت و مقابله با تهدید های نرم علیه امنیت داخلی

افتخار دانش پور^۱*

۱. استادیار، گروه فقه و حقوق امامیه، دانشکده فقه و حقوق، دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران
 * پست الکترونیک نویسنده مسئول: e.daneshpour@mazaheb.ac.ir

چکیده

فقه مقاومت به عنوان یکی از شاخه های مهم فقه اسلامی، عهده دار تبیین احکام و قواعد شرعی مرتبط با مقابله با ظلم، دفاع از حق و پایداری در برابر متجاوزان است. این پژوهش در صدد برآمد تا با روش توصیفی تحلیلی و بهره گیری از منابع کتابخانه ای چارچوب نظری مبتنی بر نظریه مقاومت اصیل در اندیشه اسلامی را در مقابله با جنگ نرم و ثبات امنیت داخلی ارزیابی و تبیین نماید. یافته های پژوهش نشانگر آن است که فقه مقاومت دارای مبانی مستحکمی همچون قاعده نفی سبیل، قاعده نفی نفوذ، وجوب دفاع از کیان اسلام (جهاد ذبی)، قاعده لاضرر، قاعده حفظ نظام، اصل عدالت و اصل عزت است که هر یک ظرفیت بالایی برای ایجاد چارچوب نظری مقابله با تهدیدات نرم دارند. فرهنگ مقاومت نیز با مؤلفه های استکبارستیزی، روحیه جهادی و احیای هویت دینی، افق روشنی برای رسیدن به امنیت پایدار داخلی ترسیم می کند. نظام دفاعی اسلام مشتمل بر سه دسته گزاره فقهی (تولید امنیت، تهدید امنیت و احکام و قوانین جنگ) است که چارچوب جامعی برای صیانت از امنیت ملی ارائه می دهد. بدیهی است فقه مقاومت با ارائه مبانی نظری مستحکم و راهبردهای عملیاتی، می تواند به عنوان نقشه راهی کارآمد در عرصه مقابله با جنگ نرم و ارتقای امنیت داخلی مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژگان: فقه مقاومت، امنیت داخلی، تهدیدات نرم، قدرت نرم، مبانی مقاومت، راهبرد مقابله

مقدمه

امنیت از بنیادی‌ترین نیازهای انسان و جوامع بشری است، به‌گونه‌ای که فقدان آن زمینه‌ساز اضطراب، ناامنی و فروپاشی ساختارهای اجتماعی می‌گردد. امنیت داخلی به‌عنوان وضعیتی مطلوب برای حیات شهروندان، امروزه به کالایی ارزشمند تبدیل شده و تأمین آن از اولویت‌های اساسی هر نظام سیاسی محسوب می‌شود.

در دنیای کنونی، معادله قدرت و امنیت از چارچوب سنتی خود خارج شده و با چهره‌های نوظهوری از آن مواجه می‌شویم که براساس آن، شکل‌های جدیدی از امنیت و تعاملات امنیتی نیز ظهور پیدا می‌کنند. این قالب‌ها و اشکال نوین که از آن‌ها با عنوان قالب‌های نرم‌افزاری یاد می‌شود، بستر جدیدی از تعاملات میان کشورها را موجب شده که تفاوت‌های زیادی با چارچوب‌های مضیق سنتی که با عنوان سخت‌افزارگرایی از آن‌ها یاد می‌شود، دارند؛ در این میان، تهدید نرم به‌عنوان پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی با هدف تضعیف روحیه و وحدت ملی، ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت، نافرمانی مدنی و تضعیف اراده مقاومت در مردم، امنیت داخلی کشورها را هدف قرار می‌دهد. نکته ضروری، درک اهمیت شناخت این اشکال جدید و تلاش برای بومی‌سازی آن‌ها با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات ملی است؛ چراکه شناخت مناسب و به‌موقع تهدیدات و فرصت‌های ناشی از شرایط جدید می‌تواند موجب بهره‌برداری مناسب از فرصت‌ها، پیشگیری و دفع تهدیدات و حتی تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها شود.

در این راستا، فقه اسلامی به‌عنوان دانشی بالنده و پویا ظرفیت بالایی برای پاسخگویی به نیازهای نوپدید جوامع اسلامی دارد. فقه مقاومت به‌عنوان شاخه‌ای از این دانش به استنباط احکام و قواعد حاکم بر مقابله با سلطه خارجی، استبداد داخلی و نفوذ فرهنگی می‌پردازد و عهده‌دار بیان احکام و مبانی شرعی مرتبط با مقابله با ظلم، دفاع از حق و مقاومت در برابر متجاوزان است. این

مفهوم در دوران معاصر؛ به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران و در پی خیزش جریان‌های اسلامی مبارز و انقلابی در فلسطین، لبنان، عراق، یمن و دیگر مناطق جهان اسلام به‌عنوان جبهه مقاومت، جایگاه برجسته یافته و به یکی از عوامل مؤثر در تغییر معادلات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است.

برای رویارویی با این جبهه نوظهور، تجربه دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که جنگ نرم به‌عنوان مؤثرترین ابزار قدرت‌های سلطه‌گر برای نفوذ در جوامع هدف، از جمله ایران اسلامی، به کار گرفته شده است؛ از این رو، تبیین مبانی فقهی مقاومت در برابر این پدیده و ارائه راهکارهای عملی برآمده از فقه اسلامی ضرورت پیدا می‌کند. به‌منظور ارزیابی این موضوع، پژوهش حاضر بر آن است تا به دنبال پاسخ مستدل و روشنی برای طرح پرسش‌های ذیل باشد:

مبانی فقهی مقاومت در برابر تهدیدات نرم علیه امنیت داخلی کدام‌اند؟

فقه مقاومت چگونه می‌تواند امنیت فرهنگی جامعه در مقابل تهدیدات نرم دشمن را ارتقاء بخشد؟

نظام دفاعی اسلام چه گزاره‌های فقهی را برای تولید و صیانت از امنیت ملی ارائه می‌دهد؟

دیدگاه فقه‌های معاصر درباره فقه مقاومت چیست؟

در همین راستا، پژوهش‌های متعددی در حوزه فقه مقاومت و امنیت داخلی انجام شده است. از جمله:

آصفی، محمد مهدی (۱۴۳۰ق). «فقه المقاومة: دارسة فقهیة مقارنة» که به بررسی تطبیقی فقه مقاومت در مذاهب اسلامی پرداخته است.

فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۸ ش). «جهاد ذبی» که نظریه جهاد ذبی را به‌عنوان مبنای دفاع از کیان اسلام مطرح کرده است.

احمدی نیک، سیدمهدی و مظفری چینجانی، سیده فرناز (۱۴۰۲). «بازجستی تحلیلی در اصول اساسی و مبانی فقه المقاومه» که به بررسی مبانی معرفتی و هستی‌شناختی فقه مقاومت پرداخته است. مؤمنی، عابدین و رضازاده، سیدحنیف (۱۳۹۹). «فقه حکومتی و بسط گفتمان مقاومت فرهنگی» که به بررسی ظرفیت‌های فقه حکومتی در مقاومت فرهنگی پرداخته است.

مهری، محمدجواد (۱۴۰۳). «فقه اطلاعات و امنیت» که به بررسی ابعاد امنیتی فقه پرداخته است.

رجبی، هادی و اسدی، حیدر (۱۳۹۶). «نقش فرهنگ مقاومت در امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران» که به بررسی مؤلفه‌های فرهنگ مقاومت و نقش آن در امنیت داخلی پرداخته است.

سعی پژوهش پیش رو آن است که در کنار پیشینه یادشده، دریچه جامع و نوینی را نسبت به موضوع مورد کاوش قرار دهد تا در ابعاد مختلف و به‌طور جامع و منسجم، نقش فقه مقاومت در مقابله با تهدیدهای نرمی که امنیت داخلی کشور را در مخاطره قرار می‌دهند، ارزیابی گردد.

تبیین مفاهیم

پیش از ورود به بحث، سزاوار است برخی واژگان مهم تحقیق مفهوم‌گزینی شوند:

فقه مقاومت

«فقه مقاومت» واژه‌ای ترکیبی است که برای دریافت صحیح مفهوم آن، نخست هریک از مفردات آن معنی می‌شوند: «فقه» در لغت به معنای فهم عمیق و دقیق است (Ibn Faris, 1983) و در اصطلاح به دانش استنباط احکام شرعی فرعی از منابع معتبر اطلاق می‌شود (Al-Muzaffar, 1994).

واژه «مقاومت» نیز از ریشه «ق و م» و بر وزن مفاعله، به معنای ایستادگی، پایداری، مداومت و استمرار در برابر دیگری است (Al-Farahidi, 1988; Ibn al-Athir, 1997). در اصطلاح، مقاومت به معنای ایستادگی در برابر هرگونه تهاجم و سلطه‌طلبی

دشمن و عدم عقب‌نشینی از اصول و ارزش‌ها تعریف شده است (Mirghaderi & Kiani, 2012). از آنجا که بر وزن مفاعله است، در علم صرف، مشارکت معنای غالب این باب است که به معنای مشارکت دسته‌جمعی، گروهی یا تشکیل جبهه‌ای برای دنبال کردن هدفی خاص و ایستادگی در مقابل جبهه یا گروه دیگر است (Ahmadi Nik & Mozaffari Chinjani, 2023).

فقه مقاومت به‌عنوان شاخه‌ای از دانش فقه به استنباط احکام و قواعد حاکم بر مقابله با سلطه خارجی، استبداد داخلی و نفوذ فرهنگی می‌پردازد (Asifi, 2009). این شاخه شامل حوزه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی است و دفاع از کیان جامعه اسلامی و حفظ احکام اسلام را واجب می‌داند؛ حتی اگر با تحمل سختی همراه باشد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، پارادایم (الگوواره) مقاومت به‌عنوان راهبرد در عرصه‌های مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی قرار گرفت. همچنین، تتبع در آموزه‌های دینی، جایگاه والای مقاومت در عرصه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی را نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان مقاومت را به‌عنوان یکی از راهبردهای کلان و بلندمدت اسلام معرفی کرد (Momeni & Rezazadeh, 2020).

اقسام مقاومت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

اندیشمندان اسلامی با توجه به گستره و ابعاد مقاومت، تقسیم‌بندی‌های مختلفی ارائه داده‌اند: مقاومت از منظر برخی صاحب‌نظران ذیل عنوان دفاع جای گرفته و در سه حوزه طبقه‌بندی شده است: مقاومت فردی: دفاع از جان، مال، آبرو و ناموس که با عنوان دفاع شرعی نیز شناخته می‌شود.

مقاومت اجتماعی: مقابله با حاکم ظالم و مستبد.

مقاومت جمعی: مقابله با تجاوزات خارجی و نفوذ کفار در سرزمین‌های اسلام (Asifi, 2009).

را این چنین برشمرد: ۱. اسلامیت نظام ۲. جمهوریت نظام ۳. تمامیت ارضی ۴. حاکمیت ملی ۵. وحدت ملی ۶. معیشت ضروری مردم ۷. نظم و امنیت عمومی جامعه ۸. کیان اسلام و تشیع در جهان ۹. استقلال سیاسی ۱۰. افتخارات ملی ۱۱. تعمیم عدالت و رفاه ۱۲. صلح و امنیت بین‌المللی ۱۳. حفظ محیط زیست (Mehri, 2024).

تهدید نرم

تهدید نرم به اقداماتی اطلاق می‌شود که باعث دگرگونی هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی شود؛ در واقع، نوعی سلطه در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها ایجاد شده و نمادها و الگوهای نظام سلطه جایگزین می‌شوند. با این نگرش، تمامی تحولاتی که موجب می‌شود تا اهداف و ارزش‌های حیاتی یک نظام سیاسی به خطر افتد یا باعث ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی در عوامل تعیین‌کننده هویت ملی و دینی یک کشور شود، تهدید نرم به شمار می‌آید (Amiri, 2010). به عبارت دیگر، این نوع تهاجم جامعه هدف را بدون درگیری نظامی به انفعال می‌کشاند و در پی از پا درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کند (Safdari, 2022). در جنگ نرم، به جای جسم انسان، ذهن او به انقیاد درآمده و زیست‌جهان انسانی، استعمار و تسخیر می‌گردد و تغییرات حاصل از آن درونی، آرام، ذهنی و تدریجی است.

در جنگ سخت با تسلیحات نظامی از مرزهای فیزیکی عبور می‌شود و در جنگ نرم با تجهیزات فرهنگی و اثرگذار از مرزهای معنوی عبور می‌شود. در این جنگ، اعتقادات و وابستگی‌های دینی و فرهنگی، آداب و سنن و همبستگی‌های ملی را نشانه می‌روند. به نوعی الحاد فکری را در بین نسل جدید و مجموعه‌های جوانی که از طریق این شبکه‌های اجتماعی با هم ارتباط دارند، ترویج می‌کنند. در جنگ سخت صدای توپ و تانک دشمن را می‌بینیم و

اندیشمند دیگری کاربرد این واژه را در سه حوزه متفاوت ذیل معرفی می‌کند:

حوزه اعتقادات: استقامت در اعتقادات توحیدی، نبوت، معاد و امامت. آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ...» (فصلت: ۳۰) ناظر به استقامت در مسائل اعتقادی است.

حوزه اخلاقیات: صبر در برابر حوادث، مصیبت‌ها و بلا یا حوزه حفظ دین: فقه مقاومت عمدتاً ناظر به حوزه حفظ دین است. این حوزه شامل تضعیف مخالفان دین و گسترش دین می‌شود و با نظریه جهاد ذبی مرتبط است.

برخی نیز مقاومت را امری فطری دانسته و بر این اعتقادند که جهاد در مقابل متجاوزان در فطرت انسان وجود دارد؛ چراکه هرکس با فطرت خود درک می‌کند که در مقابل تهاجم دشمن باید از خود دفاع کند (Makarem Shirazi, 1992).

امنیت داخلی

امنیت در لغت به معنای آرامش نفس و نبودن بیم و هراس است (Dehkhoda, 1994). در اصطلاح، امنیت حالتی است که انسان در آرامش و آسودگی آن را احساس می‌کند و این آرامش می‌تواند از آن نظر باشد که توانایی‌ها، امکانات و دارایی‌های انسان با هیچ خطر و تهدیدی مواجه نیست و از این جهات در امان است (Mehri, 2024).

امنیت داخلی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن نظم عمومی، آرامش اجتماعی، امنیت جانی و مالی شهروندان و ثبات سیاسی در داخل مرزهای یک کشور تأمین شده باشد (Mehri, 2024). به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، سقف امنیت ملی کشورها بر چهار ستون استوار است: فرهنگ، اقتصاد، سیاست و امور دفاعی. در این میان، فرهنگ به عنوان زیرساخت و بستر شکل‌گیری سایر حوزه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Rajabi & Asadi, 2017). بر اساس دیدگاه امام خمینی (ره) و با توجه به واقعیت‌های انقلاب اسلامی، می‌توان مؤلفه‌های امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران

فرهنگ مقاومت

«فرهنگ» واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ» است. «فر» به معنای شکوه و عظمت و اگر به‌عنوان پیشوند به کار رود، به معنای جلو، بالا، پیش و بیرون است. «هنگ» از ریشه اوستایی «سنگ» به معنای کشیدن، سنگینی و وقار است. واژه مرکب فرهنگ به معنای بیرون کشیدن، بالا کشیدن و برکشیدن است (Zaki & Parsania, 2023). فرهنگ در اصطلاح عبارت است از: کیفیت یا شیوه بایسته و شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعیدشده آنان در حیات معقول تکاملی باشد (Saheb, 2005). فرهنگ یک کشور که بیانگر شخصیت و هویت ملی یک کشور و حاصل دستاوردهای معرفتی و اجتماعی است، از سه سطح کلی باورها، ارزش‌ها و نمادها یا الگوهای رفتاری تشکیل می‌شود که در این سه سطح، تهدید نرم معنا پیدا می‌کند. تغییر و یا حفظ مؤلفه‌های فرهنگی یکی از اهداف مهم و مشکل کارگزاران جنگ نرم است. فرهنگ معمولاً دیرپاست و نمی‌توان به‌سرعت آن را متحول نمود. برای حذف یک مؤلفه فرهنگی و تثبیت عنصر فرهنگی دیگر ممکن است گذر نسل‌ها لازم باشد؛ اما بخش‌هایی از فرهنگ که عمق زیادی ندارند می‌توانند در کوتاه‌مدت تحت تأثیر قرار گرفته و تغییر نمایند (Hashemi, 2011). در همین راستا، فرهنگ مقاومت را می‌توان مجموعه باورها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهایی دانست که زمینه‌ساز ایستادگی در برابر سلطه و تهاجم دشمن و حفظ هویت و استقلال جامعه می‌گردد (Rajabi & Asadi, 2017). فرهنگ مقاومت جمهوری اسلامی ایران در مؤلفه‌های ذیل تبیین می‌شود:

استکبارستیزی: مخالفت با قدرت‌های سلطه‌گر و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی آنان

روحیه جهادی: آمادگی برای فداکاری و ایثار در راه آرمان‌ها

می‌شنویم. آمار کشته‌ها را می‌بینیم. آمار شهدا را می‌بینیم. آمار مجروحین را می‌بینیم. آتش‌هایی که بر نخل‌ها زبانه می‌کشند را می‌بینیم. در جنگ نرم همه این اتفاقات می‌افتد؛ اما ما نمی‌بینیم؛ چه بسا انسان‌هایی که یک‌به‌یک بر اثر هجوم دشمن سقوط می‌کنند و تبدیل به مردگانی می‌شوند (Safdari, 2022).

تهدید نرم دارای ویژگی‌هایی است؛ از جمله:

تهاجم به باورها و ارزش‌ها: هدف اصلی جنگ نرم، تغییر باورها، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هدف است.

عدم درگیری نظامی: در جنگ نرم، خبری از توپ و تانک و کشته‌شدگان ظاهری نیست، بلکه تخریب از درون و بدون هیاهو صورت می‌گیرد.

مخاطب‌محوری: در جنگ نرم، مخاطبان اصلی توده‌های مردم، به‌ویژه نسل جوان هستند.

استفاده از ابزارهای مدرن: رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، فیلم، موسیقی و... مهم‌ترین ابزارهای جنگ نرم هستند.

تدریجی و خزننده بودن: جنگ نرم به‌تدریج و در درازمدت تأثیر خود را می‌گذارد (Eftekhari, 2010; Safdari, 2022).

به‌طور کلی، تهدید نرم امروزه مؤثرترین، کارآمدترین و کم‌هزینه‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور است؛ زیرا با عواطف، احساسات، فکر، اندیشه، باور، ارزش‌ها و آرمان‌های یک ملت و نظام سیاسی سروکار دارد. فروپاشی روانی یک ملت می‌تواند مقدمه‌ای برای فروپاشی امنیتی، سیاسی و ساختاری یک کشور باشد؛ از آنجا که پاسخ تهدید نرم جز تهدید نرم نیست، واکاوی و اصطیاد راهکارها و راهبردهای مقابله با این نوع تهدید از آموزه‌های اصیل فقه اسلامی می‌تواند راه‌گشا باشد (Hashemi, 2011).

مبانی فقهی مقاومت در برابر تهدیدات نرم

فقه مقاومت بر پایه‌ها و اصول مستحکمی استوار است که برگرفته از قرآن، سنت، عقل و اجماع می‌باشد؛ از این رو، مهم‌ترین مبانی فقهی نظریه مقاومت که مشروعیت و الزام شرعی برای کنش‌های مقاومت‌آمیز در برابر تهدیدات نرم را فراهم می‌آورند، مورد اشاره و نظر واقع می‌شود:

قاعده نفی سبیل: محور سلطه‌ستیزی

قاعده نفی سبیل به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین ارکان فقه مقاومت، از فرمایشات قرآن کریم استنباط شده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱). این آیه به‌روشنی هرگونه سلطه و تسلط کافران بر مؤمنان را نفی می‌کند (Tabatabaei, 1995). فقها قاعده نفی سبیل را از مستحکم‌ترین قواعد فقهی در حوزه مقاومت دانسته و آن را دلیلی بر وجوب حفظ استقلال و عزت جامعه اسلامی در برابر بیگانگان می‌دانند (Momeni & Rezazadeh, 2020). این قاعده هرگونه سلطه کافران بر مسلمانان را در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی نفی می‌کند. اندیشمندی در این زمینه می‌نویسد: «گونه‌شناسی سبیل دارای اهمیت زیادی است و گونه‌های متفاوتی را می‌توان برای آن یافت. گاه سبیل در قالب اشغال نظامی است؛ البته امروزه این نوع سبیل کارایی خود را از دست داده است؛ گاه سبیل در فرهنگ مسلمین دنبال می‌شود که از صدر اسلام تا به حال ادامه دارد. در عرصه جنگ نرم، مصادیق سبیل می‌تواند شامل نفوذ فرهنگی از طریق دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و یا تربیت نخبگان وابسته باشد که همه مصادیق آن مشمول این قاعده شده و مقابله با آن‌ها را الزامی می‌کند» (Alidoust, 2023).

قاعده نفی سبیل می‌تواند به‌عنوان مبنای فقهی مقابله با جنگ نرم مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس این قاعده، هرگونه نفوذ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که منجر به سلطه کافران بر مسلمانان شود، ممنوع است. برخی متفکران در این زمینه می‌نویسند: «برخی از

هویت دینی: پابندی به باورها و ارزش‌های اسلامی به‌عنوان عامل هویت‌بخش

مردم‌سالاری دینی: مشارکت آگاهانه مردم در تعیین سرنوشت خود در چارچوب ارزش‌های دینی
وحدت و انسجام ملی: همبستگی اقشار مختلف جامعه در برابر تهدیدات

خودباوری و اعتماد به نفس: اتکا به توانمندی‌های داخلی و ناامیدی از بیگانگان (Rajabi & Asadi, 2017).

به نظر می‌رسد، یکی از تاکتیک‌های جنگ نرم برای ایجاد ناامنی و تضعیف روحیه مقاومت و ایستادگی، هجمه به نمادهای فرهنگی است. تهاجم فرهنگی به دلیل نامحسوس و نامرئی بودن، غیررسمی و غیرمستقیم بودن، هدف قرار دادن جوانان و نوجوانان و برنامه‌ریزی بلندمدت آن، به یکی از ابزارهای اصلی و مهم جنگ نرم تبدیل شده است.

یکی از مصادیق این تهاجم، تأثیر بر امور سطحی فرهنگ به‌عنوان ساده‌ترین و سریع‌ترین بخش‌های آسیب‌پذیر فرهنگ مانند سلیقه خوراک و پوشاک و نوع معیشت است. تشویق به مصرف هرچه بیشتر تحفه غرب است و رسانه‌ها در گسترش آن نقش بسیار مهمی دارند؛ همچنین دشمن عناصری از فرهنگ خود را منتقل می‌کند که بتواند از آن برای رسیدن به اهداف فرهنگی خود بهره بگیرد؛ مصادیقی چون بی‌بندوباری و فساد، مبارزه با حجاب، مواد مخدر، سرگرمی‌های رایانه‌ای، خودباختگی فرهنگی، انحراف مطبوعات، سینما و تئاتر، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و... نقطه هدف دشمن برای تضعیف ایستادگی و غرور یک ملت است؛ بنابراین، تقویت روحیه مقاومت در برابر خطرات ناشی از این تهاجم و ناتوی فرهنگی، خود برگرفته از مضامین و مبانی دقیق اخلاقی و فقهی است که ریشه در باور اعتقادی دارد و از آن در برابر خطر، نهایت بهره را باید گرفت (Amiri, 2010).

بیاورد که در قرآن نباشد؟ ... نهی پیامبر(ص) مربوط به فراگیری علم از کفار نیست؛ بلکه در مقام جلوگیری از نفوذ بوده است» (Momeni & Rezazadeh, 2020).

با تمسک به قواعد فقهی مانند نفی سبیل و نفی نفوذ می‌توان جامعه را در برابر تهاجم فرهنگی مصون‌سازی کرد. این مصون‌سازی از طریق تقویت باورهای دینی و ایجاد فرهنگ مقاومت امکان‌پذیر است. مردم ایران اسلامی سابقه تمدنی و فرهنگی بسیار قوی دارند؛ پیشنهادی که کمتر کشوری از آن برخوردار است (Hashemi, 2011).

نظریه جهاد ذبی: وجوب دفاع از کیان اسلام

نظریه «جهاد ذبی» توسط آیت‌الله فاضل لنکرانی مطرح شده است. ایشان در تبیین این نظریه می‌فرمایند: «ما بحث لزوم دفاع از کیان اسلام را تحت عنوان جهاد ذبی مطرح کرده و گفته‌ایم در کتب فقهی ما قدمای فقها جهاد ذبی را مورد توجه قرار داده‌اند. در کتب قدما از شیخ مفید و شیخ طوسی و سید مرتضی و ابن حمزه گرفته تا متأخرین مسئله لزوم دفاع و مقاومت برای حفظ دین مطرح است؛ یعنی آنجا که دین در معرض خطر است باید مقاومت بشود» (Fazel Lankarani, 2019).

جهاد ذبی در مقایسه با جهاد دفاعی و ابتدایی تفاوت‌هایی دارد: ذبی، جهادی است که در برابر تجاوز دشمن به سرزمین‌های اسلامی و برای حفظ کیان اسلام و جلوگیری از نابودی دین واجب می‌شود؛ حتی اگر تجاوز نظامی صورت نگرفته باشد؛ اما جهاد ابتدایی، جهادی است که برای دعوت به اسلام و گسترش آن آغاز می‌شود و شرایط خاص خود را دارد (HosseiniKhaah & Khosravi, 2022). در عین حال، جهاد ابتدایی بر زن‌ها واجب نیست؛ اما در جهاد ذبی بین زن و مرد و پیر و جوان فرقی نیست؛ این بدان معناست که هرگاه کیان اسلام در خطر باشد، بر همه مسلمانان اعم از زن و مرد، پیر و جوان واجب است برای حفظ دین وارد میدان شوند (Fazel Lankarani, 2019).

کشورهای غربی در کشورهای اسلامی دانشگاه تأسیس کرده‌اند و در حال تعلیم و تربیت نخبگان بر اساس دیدگاه تمدنی غرب هستند. گاه سبیل، شکل پیچیده‌ای به خود می‌گیرد. برای مثال، در قالب دعوت استاد یا دانشجوی رخ می‌دهد» (Momeni & Rezazadeh, 2020).

قاعده نفی نفوذ: صیانت از حریم داخلی

قاعده نفی نفوذ نیز برگرفته از فرموده الهی است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» (آل عمران: ۱۱۸).

منظور از «بطانۀ» دوستان و همنشینان مورد اعتمادی هستند که انسان با آنان مشورت کرده و اسرار خود را در اختیارشان قرار می‌دهد. این آیه مسلمانان را از انتخاب دوستان و مشاوران از میان غیرمسلمانانی که به اسلام کینه و دشمنی دارند، برحذر می‌دارد (Momeni & Rezazadeh, 2020).

در تبیین نسبت این دو قاعده چنین گفته می‌شود: «نسبت بین قاعده نفی سبیل و قاعده نفی نفوذ را می‌توان رابطه‌ای دوسویه دانست. بدین صورت که گاه نفی سبیل مقدمه‌ای برای منع نفوذ است؛ به این معنا که شرع مقدس نفی سبیل کرده است تا کفار بر مسلمانان نفوذ نیابند؛ از طرف دیگر، گاه نفوذ، زمینه سبیل را فراهم می‌سازد» (Momeni & Rezazadeh, 2020).

قاعده نفی نفوذ نیز می‌تواند مبنای فقهی مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن باشد. بر اساس این قاعده، مسلمانان نباید افرادی را که به دین و ارزش‌های اسلامی کینه و دشمنی دارند، به‌عنوان مشاور، مدیر، استاد و... در جامعه خود راه دهند. اندیشمندی با استناد به گزارش تاریخی یکی از صحابه که قصد داشت از تورات مطالبی بیاموزد و واکنش تند پیامبر(ص) را در پی داشت، می‌نویسند: «حساسیت پیامبر(ص) کاملاً قابل درک است. در حقیقت، با وجود قرآن کریم این شخص بنا داشت چه مطلب صحیحی از تورات

توجه به مؤلفه‌های قدرت از نظر اسلام نشانگر آن است که امکان کاربرد قدرت نرم در مطالعات اسلامی قدرت وجود دارد. از آنجا که در نگاه اسلام هیچ بعدی از حیات انسان خالی از آموزه‌های دینی نیست، شرعی‌سازی قدرت نیز از مقولات مهم در عرصه فقه سیاسی است که از جهات مختلفی ماهیتی نرم‌افزارانه دارد. قدرت سیاسی از نظر اسلام موظف است نسبت به تأمین منافع دنیوی و اخروی شهروندان اقدام نموده، امکان تحصیل سعادت را فراهم سازد و زمینه مناسب برای تحقق اهداف شارع را با اصل حاکمیت الهی فراهم کند و در این نمایه قدرت، اخلاق به‌عنوان رکنی محوری و تربیتی مطرح می‌باشد که تنظیم روابط بر اساس آن صورت می‌گیرد. بررسی تاریخ اسلام موارد متعددی از الگوها و کاربردهای قدرت نرم در مدیریت اسلامی مسائل سیاسی جهان اسلام را بازگو می‌کند؛ مواردی که در صدر اسلام با بهره‌گیری از مؤلفه‌های قدرت نرم، حقانیت مسلمانان با ایمان و صبر، روحیه شهادت‌طلبی، اعتقاد به امداد غیبی، اعتقاد به سعادت جاودان و ایجاد رعب و وحشت در دشمنان، مایه تأثیر و موفقیت برای مسلمانان به بار نشاندۀ است.

قاعده حرمت اعانت بر اثم و عدوان

آیه قرآن می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲). این آیه به‌روشنی هرگونه همکاری در جهت گناه و تجاوز را تحریم کرده است.

قاعده حرمت اعانت بر اثم و عدوان از قواعد مسلم فقهی است که در ابواب مختلف فقه کاربرد دارد (Bojnourdi, 1998). بر اساس این قاعده، هرگونه همکاری با دشمن در جهت تضعیف جامعه اسلامی تحریم شده است.

این قاعده می‌تواند در حوزه مقابله با جنگ نرم نیز به کار گرفته شود. بر اساس آن، هرگونه همکاری با رسانه‌های معاند، ترویج فرهنگ ضداسلامی، حمایت از جریان‌های ضددین و... که به

به نظر می‌رسد، نظریه جهاد ذبی می‌تواند مبنای بسیج همگانی برای مقابله با جنگ نرم قرار گیرد. اگر تهدیدات نرم علیه هویت اسلامی و ارزش‌های دینی به مرحله‌ای برسد که کیان اسلام را به خطر اندازد، بر همه مسلمانان واجب است که برای مقابله با آن وارد میدان شوند. صاحب‌نظری در تطبیق این نظریه بر مسئله فلسطین می‌فرماید: «ارتباط قضیه فلسطین و مقابله با اسرائیل با همه مسلمانان در اقصی نقاط عالم بر مبنای همین حکم جهاد ذبی است. امام خمینی نیز بر همین اساس فرمود: "اسرائیل باید از بین برود"» (Fazel Lankarani, 2019).

وجوب تقویت قوای نظامی و فرهنگی

خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال: ۶۰). مفسران شمولیت «قوه» را نسبت به تمامی ابعاد قدرت، از جمله قدرت نرم، تأیید کرده‌اند (Makarem Shirazi, 1992; Tabatabaei, 1995).

مراد از «قوه» در آیه شریفه هر آن چیزی است که بتواند بازدارندگی در برابر دشمن ایجاد کند. این مفهوم شامل قدرت سخت (نظامی) و قدرت نرم (فرهنگی، رسانه‌ای، علمی و...) می‌شود. در این زمینه گفته می‌شود: «مراد از قوه، اعم از قدرت مادی و معنوی است و امروزه می‌توان از قدرت رسانه‌ای، قدرت سایبری و قدرت فرهنگی نیز به‌عنوان مصادیق مهم آن یاد کرد» (Mehri, 2024). بر اساس این قاعده، مسلمانان موظف می‌باشند که توانمندی‌های خود را در تمامی ابعاد، از جمله بعد فرهنگی و رسانه‌ای، تقویت کنند تا بتوانند در برابر تهاجم فرهنگی دشمن بایستند (Asifi, 2009). در این زمینه، بسیاری از فقهای شیعه، از جمله شیخ طوسی، محقق اردبیلی، صاحب جواهر و امام خمینی بر وجوب مقاومت در برابر هجوم خارجی به سرزمین اسلامی و حفظ کیان اسلام تأکید کرده‌اند.

اصل عدالت

قرآن کریم یکی از اهداف بعثت انبیا را اقامه قسط و عدل معرفی می‌کند: «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). همچنین، در آیات متعددی بر لزوم رعایت عدالت تأکید شده است.

عدالت‌خواهی و مبارزه با ظلم، یکی از مؤلفه‌های اصلی فرهنگ مقاومت است. برخی بر این باورند که: «در عرصه انسان‌شناسی اسلامی این نزاع در درون انسان نیز جریان دارد. قرآن کریم به‌صراحت از جنگ میان عقل و جهل، فطرت الهی و نفس انسان می‌گوید. انسان به‌عنوان موجودی مختار، همواره در معرض این انتخاب اساسی قرار دارد که آیا به سوی حق گرایش پیدا می‌کند یا به دام باطل می‌افتد» (Ahmadi Nik & Mozaffari, 2023; Chinjani, 2023).

گفتمان مقاومت مبتنی بر فرهنگ معنویت، عقلانیت، کارآمدی، مردم‌داری و حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان است (Majnoun Pilehroud, 2023). این گفتمان در برابر گفتمان سلطه و استکبار، الگویی عادلانه از روابط انسانی ارائه می‌دهد و می‌تواند جذابیت لازم برای مقابله با تهاجم فرهنگی را ایجاد کند.

اصل عزت

اصل عزت برگرفته از آیه «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸) است. بر اساس این آیه، عزت حقیقی از آن خدا، رسول و مؤمنان است.

عزت به معنای نفوذناپذیری، قدرت و مناعت طبع است (Shariati, 2014). بر اساس این اصل، مسلمانان نباید به‌گونه‌ای رفتار کنند که منجر به سلطه‌پذیری در برابر کافران شود.

اصل عزت هرگونه ذلت‌پذیری در برابر دشمن را نفی می‌کند. در عرصه جنگ نرم، این اصل اقتضا می‌کند که مسلمانان در برابر تهاجم فرهنگی دشمن، موضعی عزتمندانه اتخاذ کنند و از پذیرش فرهنگ بیگانه که منجر به سلطه‌پذیری و وابستگی می‌شود، خودداری نمایند.

تضعیف باورهای دینی و امنیت فرهنگی جامعه منجر شود، حرام و ممنوع است.

قاعده لاضرر

قاعده لاضرر برگرفته از حدیث نبوی معروف «لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام» است (Al-Hurr al-Amili, 1993). این قاعده از مهم‌ترین قواعد فقهی است که در ابواب مختلف کاربرد دارد. بر اساس این قاعده، در اسلام حکمی که موجب ضرر رساندن به خود یا دیگران شود، وضع نشده است؛ بنابراین، هرگونه حکم یا عملی که منجر به ضرر شود، در اسلام ممنوع است (Bojnourdi, 2000).

تهاجم فرهنگی و جنگ نرم از مصادیق بارز ضرر رساندن به جامعه اسلامی است؛ زیرا باورها، ارزش‌ها و هویت دینی مسلمانان را هدف قرار می‌دهد. بر اساس قاعده لاضرر، مقابله با این پدیده ضروری است و مسلمانان موظف‌اند از هرگونه اقدامی که موجب ترویج فرهنگ ضداسلامی می‌شود جلوگیری کنند.

قاعده حفظ نظام

امام خمینی (ره) حفظ نظام اسلامی را از «اوجب واجبات» دانسته است (Khomeini, 1985). این قاعده بیان می‌دارد که حفظ نظام اجتماعی و سیاسی مسلمانان از اهم واجبات است و هر اقدامی که موجب اختلال در آن شود، ممنوع می‌باشد (Momen, 2004; Qomi, 2004).

نظام اسلامی بر اساس تعریف امام خمینی (ره) شامل سه ساحت است: نظامات اجتماعی و ساماندهی زندگی روزمره، نظام شریعت و نظام سیاسی.

جنگ نرم با هدف ایجاد اختلال در نظامات اجتماعی، تضعیف شریعت و بی‌اعتبار کردن نظام سیاسی اسلامی طراحی شده است. بر اساس قاعده حفظ نظام، مقابله با این پدیده واجب عینی است و همه مسلمانان موظف‌اند در این زمینه مشارکت کنند.

اصل ولایت فقیه

با توجه به اصل مترقی ولایت فقیه و استدلال‌های قوی فقهی بر اثبات آن و نقش آن در گذر از فتنه‌ها و حوادث خطرناک، دفاع از حریم ولایت را می‌توان اصلی‌ترین رکن در ساختار نظام حاکمیت شیعه برشمرد که از دو منظر قابل تأمل است: نخست آن‌که مجموع اقدامات انجام‌یافته توسط دشمن نشانگر آن است که طراحان تهدید نرم به دلیل جایگاه ولایت فقیه در اعتقادات شیعیان، به‌ویژه در ایران اسلامی و میزان تأثیرگذاری آن در اتحاد جبهه مقاومت، مشروعیت‌زدایی و اعتبارزدایی از جایگاه ولایت فقیه را در دستور کار خود قرار داده‌اند و از سویی دیگر، ولایت فقیه به‌عنوان یک فقیه عالم، باتقوا، عادل، دلسوز، باتجربه، خیرخواه و آگاه‌ترین به مسائل سیاسی و حکومتی، به‌طور قطع شایسته‌ترین فرد برای فصل‌الخطاب بودن و حرف‌شنوی است. تجربه زعامت و رهبری در نظام مقدس جمهوری اسلامی در گذر از تندباد حوادث، مخاطرات، فتنه‌ها و هجمه‌های فراوان عارض‌شده بر پیکره نظام و عبور با سلامت از آن‌ها، نشان از اهمیت وجود این رکن برای حفظ وحدت، انسجام ملی و اسلامی است (Hashemi, 2011). فرماندهان جنگ نرم می‌توانند در چشم‌انداز راهبردی اقدامات خود به منبع قابل اعتماد و مستدل توصیه‌های مقام معظم رهبری توجه نموده و از بیانات ایشان برای ترسیم نقشه راه خود استفاده کنند.

فقه مقاومت و ارتقای امنیت داخلی

پس از تبیین مبانی فقهی، بررسی کاربست آن‌ها برای تقویت و تأمین امنیت داخلی قابل تأمل است و فقه مقاومت با ارائه احکام و سازوکارهایی مشخص، به‌مثابه یک نظام دفاعی عمل می‌کند. ارزیابی اجمالی این نظام خالی از فایده نمی‌باشد:

گزاره‌های فقهی نظام دفاعی اسلام

برخی اندیشمندان در یک دسته‌بندی جامع، نظام دفاعی اسلام را متشکل از سه دسته گزاره فقهی می‌داند که هرکدام کارکرد مشخصی در تأمین امنیت داخلی دارند:

گزاره‌های ناظر به تولید امنیت

این گزاره‌ها شامل «جهاد» و «دفاع» به‌عنوان کنش‌های مقابله‌ای و «بطانۀ» به‌عنوان سازمان اطلاعاتی برای شناسایی تهدیدات و «مرباطه» به معنی مرزداری و پایش مداوم مرزهای فیزیکی و فرهنگی است. به نظر می‌رسد، مربوطه در عصر امروز، صیانت از مرزهای فرهنگی و فضای مجازی را نیز در برمی‌گیرد (Mehri, 2024).

گزاره‌های ناظر به تهدید امنیت

این گزاره‌ها به شناسایی و تعریف جرم‌هایی می‌پردازد که امنیت داخلی را نشانه می‌روند؛ مانند «بغی» به معنی خروج بر حاکم اسلامی و ایجاد تفرقه، «محاربه» در معنای جنگ‌افروزی و ناامنی، «افساد فی الارض»، «جاسوسی» و «نفوذ». امروزه جریان‌های معاند در فضای مجازی مصداق بارز این تهدیدات هستند (Mehri, 2024).

گزاره‌های ناظر به قوانین حقوقی

این گزاره‌ها چارچوب تعامل با دشمن و اسرا را مشخص می‌کند و نشان‌دهنده جامعیت فقه در مدیریت صحنه نبرد، اعم از سخت و نرم است (Mehri, 2024).

سازوکارهای فقهی صیانت از فرهنگ و هویت

عنصر فرهنگ به‌مثابه هوای تنفس یک جامعه می‌باشد و بر این مبنا از اهمیت بسیاری برخوردار است. نفوذ یا تهاجم فرهنگی حرکتی است آرام که از سوی یک نظام فرهنگی به زیان نظام فرهنگی دیگر برای رسیدن به مقاصد خاص فرهنگی و سیاسی و بدون رضایت طرف مقابل صورت می‌گیرد. نفوذ معمولاً مخفیانه، آرام و با ترفندهای خاص انجام می‌گیرد.

کرده‌اند که هریک احکام شرعی مخصوص خود را دارد. در تبیین فلسفه این احکام می‌نویسند: «اسلام زیربنای نظام سیاسی است، ارتداد و آشکارسازی آن، سبب تضعیف اسلام و فروپاشی نظام سیاسی مبتنی بر آن می‌شود؛ از این رو، حکومت اسلامی موظف است در برابر آشکارسازی ارتداد بایستد و برایش مجازات در نظر بگیرد» (Momeni & Rezazadeh, 2020).

پرفسور مارسل بوزار، استاد حقوق دانشگاه ژنو، در این رابطه چنین می‌گوید: «علت سخت‌گیری اسلام درباره مرتد شاید بدان جهت باشد که در نظام حکومتی و سیستم اداری جوامع اسلامی، ایمان به خدا جنبه صرفاً اعتقادی و شخصی نداشته، بلکه جزو بندهای پیوستگی امت و پایه‌های حکومت است؛ به‌طوری که با فقدان آن، قوام و دوام جامعه متلاشی می‌شود» (Fazel Meybodi, 1999).

جهاد و حفظ حرمت‌های دینی

شهید اول در مقام بیان مقاصد الشریعه، جهاد را ابزاری برای حفظ دین می‌داند (Shahid al-Awwal, 1980). قرآن کریم نیز به این نکته اشاره می‌کند که اگر دفع الهی نبود، صومعه‌ها، کلیساها، کنیسه‌ها و مساجد ویران می‌شدند (حج: ۴۰). این آیه نشان‌دهنده اهمیت جهاد و مقاومت برای حفظ حرمت‌های دینی است.

به‌طور کلی، فرهنگ مقاومت با بهره‌گیری از مؤلفه‌هایی چون استکبارستیزی، روحیه جهادی و احیای هویت دینی، موجب تقویت انسجام اجتماعی و ارتقای ضریب امنیت داخلی می‌شود (Rajabi & Asadi, 2017). این فرهنگ، حس تعلق به یک آرمان مشترک را تقویت کرده و جامعه را در برابر تفرقه‌افکنی دشمن مقاوم می‌سازد. با توجه به شکل‌گیری جنگ ترکیبی، طبیعتاً مقاومت در برابر چنین جنگی باید فراگیر باشد و از این رو از آن به‌عنوان «مقاومت ملی» یاد می‌شود که نوعی مواجهه نرم، صبورانه و پیش‌برنده در برابر اهداف انقلاب است (Piroozmand, 2025).

در این راستا، فقه شیعه برای پاسداری از حریم دین و فرهنگ جامعه، سازوکارهای مشخصی دارد. کاوش این نوشتار در متون فقه جهت مستندسازی حکم و وجوب تأمین امنیت فرهنگی در یک جامعه به مواردی چون حرمت کتب ضلال، احکام ارتداد، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد برخورد نمود که به اجمال به آن‌ها اشاره می‌شود:

حرمت حفظ کتب ضلال

یکی از احکام فقهی مهم در زمینه صیانت از فرهنگ دینی، حرمت حفظ کتب ضلال است. برخی متفکران در این زمینه می‌نویسند: «به فتوای فقیهان شیعه، نگهداری، خرید و فروش، نسخه‌برداری و نشر، مطالعه و آموزش کتاب‌های ضاله حرام و از بین بردن آن‌ها واجب است جز در مواردی که از مطالب آن برای اثبات حق و رد باطل استفاده می‌شود» (Momeni & Rezazadeh, 2020).

این حکم فقهی نشان‌دهنده حساسیت اسلام نسبت به سلامت فکری و اعتقادی جامعه است و در عصر حاضر می‌تواند سایت‌ها، کانال‌ها و محتوای مجازی گمراه‌کننده را نیز شامل شود.

شیخ انصاری معنای حفظ را اعم از به حافظه سپردن، نسخه‌برداری، بحث و گفت‌وگو و هر کاری که به‌نوعی در باقی ماندن مطالب گمراه‌کننده نقش دارد، در نظر گرفته است (Ansari, 1990). صاحب جواهر نیز معنای حفظ را علاوه بر نگه داشتن کتاب از نابودی یا به حافظه سپردن مطالب، مطالعه و تدریس این‌گونه کتاب‌ها را نیز شامل می‌داند (Najafi, 1983).

احکام ارتداد و صیانت از باورهای دینی

ارتداد به معنای خارج شدن از دین، اگر با هدف تضعیف کيان اسلام و ایجاد شبهه در افکار عمومی باشد، به‌عنوان یک جرم امنیتی اعتقادی تلقی شده و مجازات‌های خاصی برای آن در نظر گرفته شده است. فلسفه این احکام جلوگیری از سهل‌انگاری در دین‌داری و تضعیف پایه‌های نظام سیاسی برآمده از دین است؛ در این راستا، فقه ارتداد را به دو نوع مرتد ملی و مرتد فطری تقسیم

و سوسه‌های فرهنگی و رسانه‌ای دشمن نیز مقاومت بیشتری خواهد داشت. از دیدگاه اسلام، جنگ نرم به مراتب از جنگ سخت حساس‌تر است و موضع اسلام در قبال آن، موضع «فتنه» و «جهاد اکبر» است (Safdari, 2022). تقویت باورهای دینی و خودسازی، اولین خط دفاعی در این جنگ است. امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند به‌عنوان راهبردی مؤثر در مقابله با جنگ نرم مورد استفاده قرار گیرد. ترویج ارزش‌های اسلامی (معروف) و مقابله با ناهنجاری‌های فرهنگی (منکر) نیز از مهم‌ترین راه‌های مصون‌سازی جامعه در برابر تهاجم فرهنگی است. قرآن کریم در آیات متعددی بر این امر تأکید دارد: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل‌عمران: ۱۰۴).

بسیج‌نخبگان و ظرفیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای متخصص

حکومت اسلامی وظیفه دارد با بسیج‌نخبگان و تشکیل نیروهای فرهنگی متخصص، بنیه علمی و رسانه‌ای جامعه را برای تولید محتوای فاخر و جذاب اسلامی تقویت کند. همان‌گونه که در دوران دفاع مقدس، همه مردم احساس مسئولیت می‌کردند، امروز نیز باید این احساس مسئولیت در عرصه فرهنگی ایجاد شود (Rajabi & Asadi, 2017). حکومت باید با ایجاد اتحاد و همبستگی، نقشه دشمن برای ایجاد تفرقه را خنثی کند و با تشکیل نیروهای فرهنگی، تقویت بنیه علمی و رسانه‌ای و ایجاد اتحاد و همبستگی، زمینه ارتقای امنیت داخلی را فراهم کند (Khomeini, 1985). مقام معظم رهبری اساتید دانشگاه را به‌عنوان «فرماندهان جنگ نرم» معرفی کرده‌اند (Khamenei, 2019). این بدان معناست که امنیت داخلی صرفاً با رویکرد نظامی و انتظامی تأمین نمی‌شود؛ بلکه نیازمند مشارکت فعال نهادهای فرهنگی و آموزشی است. تولید محتوای علمی و رسانه‌ای قوی و جذاب، از مهم‌ترین راه‌های مقابله با جنگ نرم است. حکومت اسلامی باید با سرمایه‌گذاری در این عرصه، زمینه تولید محتوای فاخر اسلامی را فراهم کند.

در این راستا، قرآن کریم نیز در آیات متعددی بر وحدت و پرهیز از تفرقه تأکید نموده و می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل‌عمران: ۱۰۳). این وحدت، مبنای مقاومت جمعی در برابر دشمنان است.

راهبردهای فقه مقاومت در برابر تهدید نرم

با اندک مطالعه مبانی فقه مقاومت، نیک دریافت می‌شود که راهبردهای مقابله با جنگ نرم در متون این دانش طراحی و قابل اصطیاد است و قابلیت تبدیل به راهکارهای عملیاتی را دارند.

راهبرد تهاجمی و پیش‌دستانه

بر اساس اندیشه امام خمینی (ره) که «همه شیاطین مجتمعند که نگذارند اسلام رشد کند و ما باید با تمام قوا مهیا شویم» (Khomeini, 1985)، فقه مقاومت صرفاً به دفاع منفعلانه توصیه نمی‌کند؛ بلکه بر مقابله فعال با دشمن و بسیج ظرفیت‌های فرهنگی تأکید دارد. رهبر معظم انقلاب نیز بر «آرایش هوشمندانه دفاعی و هجومی» در عرصه جنگ تبلیغاتی و اینکه باید نقاط ضعف فرهنگ و تمدن رقیب را بشناسیم و با ظرفیت رسانه‌ای و فرهنگی، آن‌ها را برجسته کنیم و علیه آنچه در حال وقوع است، یورش ببریم، تأکید دارند (Khamenei, 2019). این به معنای ضرورت جهاد ابتدایی فرهنگی برای نشر ارزش‌های اسلامی و شناسایی و برجسته‌سازی نقاط ضعف فرهنگ مهاجم است.

همان‌گونه که در فقه اسلامی جهاد ابتدایی برای گسترش اسلام تشریع شده است، می‌توان از «جهاد ابتدایی فرهنگی» برای نشر ارزش‌های اسلامی و مقابله با فرهنگ منحط غرب بهره گرفت. فاضل لنکرانی در این زمینه می‌گوید: «بعضی از آیات قرآن دلالت بر جهاد ابتدایی دارد... در جهاد ابتدایی، مسلمانان موظف‌اند برای گسترش اسلام تلاش کنند» (Fazel Lankarani, 2019).

جهاد اکبر به‌عنوان راهبرد درونی و زیرساختی

جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، زیربنای مقاومت در برابر هرگونه تهاجم خارجی است. انسانی که بر نفس خود مسلط باشد، در برابر

به نظر می‌رسد، جنگ نرم در بستر جهالت، اقدامات احساسی به‌جای منطقی، حاکمیت غرایز و ضعف بنیه اقتصادی و علمی کشور، امکان حضور و گسترش پیدا می‌کند که در تمام موارد فوق، دانشگاه و دانشگاهیان نقش قابل توجهی را برای ایجاد خاکریز در مقابل دشمن بر عهده دارند و پتانسیل پر کردن رخنه‌های نفوذ دشمن در اختیار ایشان است. فضای آزاداندیشی در دانشگاه‌ها و فراهم بودن زمینه مناسب برای تشکیک، تحلیل و انتقاد نسبت به موضوعات، مکان خوبی را برای استفاده و سوءاستفاده فراهم می‌کند. در این فضا، کارگزاران جنگ نرم تلاش می‌کنند با تاکتیک‌های مختلف، فضای نقد و تحلیل را به سمت اهداف خود جهت‌دهی کنند. این پرسشگری و انتقادگری می‌تواند به سمت تحرکات اجتماعی کشیده شود؛ از این رو، توجه به خوراک فکری دانشجویان در محیط دانشگاه ضروری است.

فناوری‌های قدرت نرم در گفتمان مقاومت

فقه مقاومت ظرفیت ارائه بدیل در برابر فناوری‌های قدرت دشمن را دارد:

مرجعیت‌سازی: دشمن با ایجاد مرجعیت‌های فکری، افکار عمومی را جهت‌دهی می‌کند. گفتمان مقاومت می‌تواند با تکیه بر اندیشمندان و نخبگان دینی، مرجعیت فکری جدیدی ایجاد کند و با ارائه بدیل‌های اسلامی در برابر این فناوری، ظرفیت مقابله با آن را فراهم می‌کند.

گفتمان‌سازی: گفتمان مقاومت اسلامی در برابر گفتمان غرب، بر سه مفهوم کلیدی «اسلام سیاسی»، «اعتقاد دینی» و «هویت ملی» استوار است (Majnoun Pilehroud, 2023). برخی در این زمینه می‌نویسند: «فقه مقاومت را می‌توان "علم الهی مبارزه حق علیه باطل" نامید که مبانی آن از هستی‌شناسی و انسان‌شناسی به‌عنوان اصول معرفتی تفکر اسلامی سرچشمه گرفته است» (Ahmadi Nik & Mozaffari Chinjani, 2023).

گستره بین‌المللی: گفتمان مقاومت اسلامی، از مرزهای ایران فراتر رفته و به الگویی برای ملت‌های مظلوم منطقه در برابر استکبار جهانی تبدیل شده است. مسئله فلسطین، مهم‌ترین نماد این گفتمان در عرصه بین‌الملل است. آیت‌الله فاضل لنکرانی با استناد به نظریه جهاد ذبی، مسئله فلسطین و مقابله با اسرائیل را از مصادیق فقه مقاومت دانسته و آن را وظیفه همه مسلمانان می‌داند. ایشان می‌فرمایند: «ارتباط قضیه فلسطین و مقابله با اسرائیل با همه مسلمانان در اقصی نقاط عالم بر مبنای همین حکم جهاد ذبی است. امام عظیم‌الشأن ما نیز بر همین اساس فرمود اسرائیل باید از بین برود. برای اینکه امروز بزرگ‌ترین و مهم‌ترین خطر برای اسلام، اسرائیل است. اسرائیل تصمیم دارد اسلام را از بین ببرد» (Fazel Lankarani, 2019).

در همین راستا، آموزه‌ها و تجارب دو رخداد بزرگ پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به دیگر ملت‌های لبنان، فلسطین، سوریه، عراق، یمن و افغانستان منتقل شد (Mehri, 2024). انقلاب اسلامی به علت قدرت مادی، نهادی و اعتقادی خود پایه‌ها و مبانی قدرت «مقاومت اسلامی» را مستحکم کرده است. به عبارتی، گفتمان مقاومت متأسی از فرهنگ عاشورا و مبتنی بر فرهنگ معنویت و عقلانیت و کارآمدی، مردم‌داری و مردم‌یاری و حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان است (Majnoun Pilehroud, 2023). این گفتمان، عصر جدیدی را نه تنها برای ملت بزرگ ایران، بلکه برای ملت‌های زیر ستم و آزاده در تمام جهان پایه‌گذاری کرد.

نتیجه‌گیری

فقه مقاومت یک نظریه جامع و پویا برای صیانت از هویت، استقلال و امنیت جامعه اسلامی در برابر انواع تهدیدات، به‌ویژه تهدیدات نرم است. این پژوهش نشان داد: مبانی فقهی مستحکم: قواعدی همچون نفی سیل، نفی نفوذ و نظریه جهاد ذبی، چارچوبی نظری و الزام‌آور برای کنش مقاومت

طرح مبانی و مفاهیمی کلیدی، نقش بی‌بدیلی در بسط نظری و عملی این گفتمان ایفا کرده‌اند.

گستره بین‌المللی: گفتمان مقاومت اسلامی، از مرزهای ایران فراتر رفته و به الگویی برای ملت‌های مظلوم منطقه در برابر استکبار جهانی تبدیل شده است. مسئله فلسطین، مهم‌ترین نماد این گفتمان در عرصه بین‌الملل است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The jurisprudence of resistance has emerged as an important field within contemporary Islamic jurisprudence because of the increasing complexity of security threats facing Muslim societies, particularly threats that operate through cultural, cognitive, media, political, and social mechanisms rather than direct military confrontation. Internal security is no longer defined solely by territorial integrity, law enforcement, or the absence of armed conflict; rather, it increasingly depends on the stability of collective identity, social cohesion, cultural confidence, political legitimacy, and the capacity of society to resist external patterns of influence. Soft threats seek to transform the beliefs, values, behavioral patterns, and interpretive frameworks of a target society without necessarily resorting to direct violence. They operate gradually through media, educational institutions, cultural products, social networks, public discourse, and mechanisms of ideological influence, thereby affecting the cognitive and normative foundations of social life (Amiri, 2010; Hashemi, 2011). Within this context, the

فراهم می‌آورند. این مبانی، تنها به حوزه نظامی محدود نبوده و به‌طور خاص عرصه فرهنگی را نیز پوشش می‌دهند.

ارتقای امنیت داخلی: فقه مقاومت با ارائه یک نظام دفاعی سه‌لایه (تولید امنیت، تهدیدشناسی، حقوق جنگ) و سازوکارهایی مانند حرمت ترویج کتب ضاله و مقابله با ارتداد، به تأمین امنیت فرهنگی و انسجام اجتماعی کمک شایانی می‌کند.

راهبردهای مقابله با جنگ نرم: بر اساس این فقه، راهبرد مقابله با جنگ نرم، یک راهبرد ترکیبی است: شامل اقدامات پیش‌دستانه و تهاجمی فرهنگی، تقویت بنیه‌های درونی (جهاد اکبر)، بسیج ظرفیت‌های ملی و ایجاد یک گفتمان مقاومت‌بخش.

اندیشمندان بنیان‌گذار: اندیشمندانی چون امام خمینی (ره)، قائد

شهید آیت‌الله خامنه‌ای (ره)، آیت‌الله فاضل لنکرانی و دیگر فقها با

jurisprudence of resistance can be understood as a systematic effort to derive Sharia-based rules governing opposition to domination, resistance to oppression, protection of Islamic identity, defense against cultural infiltration, and preservation of the political and social integrity of Muslim communities (Ahmadi Nik & Mozaffari Chinjani, 2023; Asifi, 2009). Contemporary discussions have further emphasized that resistance is not limited to military confrontation but constitutes a broader strategic paradigm encompassing political, cultural, economic, ideological, and security dimensions (Majnoun Pilehroud, 2023; Momeni & Rezazadeh, 2020). Accordingly, the present study employed a descriptive-analytical method based on library research to examine the jurisprudential foundations of resistance against soft threats, analyze their relevance to internal security, and explain how Islamic jurisprudence can provide both theoretical principles and practical strategies for confronting non-military forms of domination and destabilization.

The conceptual framework of the study begins with the meaning of jurisprudence, resistance,

internal security, soft threats, and the culture of resistance. Jurisprudence, in its technical sense, refers to the systematic derivation of subsidiary Sharia rulings from recognized legal sources (Al-Muzaffar, 1994), whereas resistance denotes steadfastness, persistence, and collective or individual opposition to domination and aggression (Al-Farahidi, 1988; Ibn al-Athir, 1997; Ibn Faris, 1983). In contemporary Islamic political literature, resistance refers to refusing submission to domination, preserving religious and national values, and defending political, cultural, and social independence (Mirghaderi & Kiani, 2012). The jurisprudence of resistance therefore encompasses legal rulings concerning the defense of Islam, protection of Muslim society, prevention of foreign domination, resistance against domestic tyranny, and confrontation with cultural penetration (Asifi, 2009). Internal security, by contrast, refers to a condition in which public order, social tranquility, political stability, and the security of life and property are maintained within national borders (Mehri, 2024). Culture occupies a particularly important position in this framework because it provides the symbolic and normative infrastructure upon which political, social, and even defensive stability are built (Rajabi & Asadi, 2017). Soft threats specifically target this infrastructure by attempting to replace indigenous values and patterns of conduct with externally generated ones, often through gradual, indirect, and psychologically oriented means (Eftekhari, 2010; Safdari, 2022). Consequently, the culture of resistance may be understood as a set of beliefs, values, norms, attitudes, and behavioral patterns that foster steadfastness against domination and strengthen collective identity, religious commitment, self-confidence, national unity, and willingness to defend the community against external pressure (Rajabi & Asadi, 2017). This conceptualization demonstrates

that security in the contemporary environment is inseparable from cultural resilience and that jurisprudential analysis must address the protection of meaning, identity, and social cohesion in addition to physical defense.

The findings reveal that the jurisprudence of resistance rests upon a series of interconnected jurisprudential principles capable of establishing a normative foundation for confronting soft threats. One of the most significant is the principle of negation of domination, derived from the Qur'anic rejection of any legitimate path of domination by unbelievers over believers. This principle has traditionally been interpreted as prohibiting political, legal, economic, and military subjugation, but its contemporary implications also extend to cultural and intellectual forms of domination (Momeni & Rezazadeh, 2020; Tabatabaei, 1995). Closely related is the principle of preventing hostile infiltration, which warns against granting strategic access to actors whose intentions are hostile to the Islamic community and whose influence can create the conditions for broader domination (Momeni & Rezazadeh, 2020). From this perspective, soft penetration through educational institutions, media networks, elite formation, cultural production, and ideological dependency may fall within the jurisprudential concern with preventing domination and infiltration (Alidoust, 2023). Another important foundation is the doctrine of defensive jihad aimed at preserving the very existence and integrity of Islam, according to which collective resistance becomes obligatory when the foundations of religion are placed under serious threat (Fazel Lankarani, 2019; Hosseinikhaah & Khosravi, 2022). This doctrine differs from conventional understandings of defensive warfare because the threat to Islam may arise through non-military mechanisms and may therefore require participation beyond traditional combat roles. The principle

requiring the strengthening of available forms of power also supports the development of cultural, scientific, media, technological, and cyber capacities in addition to military capabilities (Makarem Shirazi, 1992; Mehri, 2024; Tabatabaei, 1995). Taken together, these principles transform resistance from a reactive military concept into a multidimensional jurisprudential framework for preserving autonomy and preventing the gradual erosion of cultural and political independence.

Other jurisprudential principles further reinforce this framework. The prohibition against assisting in sin and aggression provides a legal basis for rejecting cooperation with actors or institutions whose activities contribute to weakening Islamic society or facilitating hostile influence (Bojnourdi, 1998). Similarly, the principle of no harm establishes that conduct producing substantial harm to individuals or society may be prohibited and therefore offers a jurisprudential basis for confronting cultural activities that undermine religious identity, social cohesion, or collective security (Al-Hurr al-Amili, 1993; Bojnourdi, 2000). The principle of preserving the social and political order also occupies a central place in the jurisprudence of resistance because the maintenance of an Islamic political and social system has been regarded as a major obligation, particularly when disorder threatens the continuity of religious and public institutions (Khomeini, 1985; Momen Qomi, 2004). In the context of soft warfare, campaigns designed to erode social trust, undermine political legitimacy, weaken religious norms, or intensify social division may therefore be evaluated through the jurisprudential concern with preserving order. The principles of justice and dignity also play a complementary role. Justice provides a normative basis for opposition to oppression and support for vulnerable and oppressed communities, while dignity rejects submission, humiliation, and dependence on

dominating powers (Ahmadi Nik & Mozaffari Chinjani, 2023; Majnoun Pilehroud, 2023; Shariati, 2014). These principles indicate that resistance is not merely defensive but is also value-oriented, seeking to protect a moral and political order founded upon justice, autonomy, religious identity, and human dignity. Within this structure, the principle of religious-political leadership additionally contributes to unity, coordinated decision-making, and the prevention of fragmentation in periods of political and cultural crisis (Hashemi, 2011).

The study further demonstrates that the jurisprudence of resistance can contribute to internal security through an integrated Islamic defense system consisting of security-producing propositions, security-threatening categories, and legal rules regulating confrontation.

Security-producing propositions include jihad, defense, intelligence-related vigilance, and continuous protection of physical and cultural frontiers, all of which can be reinterpreted in relation to contemporary media, cyber, educational, and ideological environments (Mehri, 2024). Security-threatening categories include rebellion, warfare against society, corruption, espionage, infiltration, and other activities that directly or indirectly undermine social stability and collective security (Mehri, 2024). In addition, jurisprudential mechanisms for protecting cultural and religious identity include rules concerning misleading materials, apostasy, the promotion of good and prevention of wrong, and jihad in defense of religious sanctities. Classical jurists treated the preservation and dissemination of misleading materials as a matter of serious religious concern because of their potential effects on belief and public morality (Ansari, 1990; Najafi, 1983), while contemporary interpretations may extend similar concerns to digital platforms, online content, and organized ideological campaigns. The culture of

resistance also strengthens internal security by fostering anti-domination attitudes, a spirit of sacrifice, religious identity, popular participation, national unity, and self-confidence (Rajabi & Asadi, 2017). At the strategic level, resistance jurisprudence supports proactive cultural action, internal spiritual strengthening through the concept of the greater jihad, mobilization of intellectual and media elites, and construction of alternative discourses capable of challenging externally imposed cultural frameworks (Khamenei, 2019; Piroozmand, 2025; Safdari, 2022). In this regard, discourse-building, intellectual authority, specialized cultural institutions, and strong scientific and media capacities become essential instruments of soft resistance, particularly when contemporary threats operate through meaning production, public opinion, education, and symbolic influence (Ahmadi Nik & Mozaffari Chinjani, 2023; Majnoun Pilehroud, 2023).

In conclusion, the jurisprudence of resistance provides a comprehensive and dynamic framework for understanding and confronting soft threats to internal security. Its significance lies in the fact that it does not restrict the concept of defense to military confrontation but extends it to cultural, ideological, political, informational, social, and psychological dimensions. The findings show that principles such as the negation of domination, prevention of infiltration, preservation of the Islamic order, prohibition of harmful cooperation, defense of religious identity, justice, dignity, and the obligation to strengthen collective capabilities together constitute an integrated legal and normative architecture of resistance. This architecture can support both preventive and responsive measures against soft warfare by strengthening cultural resilience, national cohesion, religious identity, public confidence, and institutional preparedness. It also

provides a basis for distinguishing between security-producing actions and conduct that threatens collective stability, while emphasizing the role of cultural, educational, scientific, and media institutions in contemporary defense. From this perspective, effective resistance to soft threats requires a combination of internal moral strengthening, social unity, intellectual vigilance, proactive cultural engagement, elite participation, and the development of credible alternative discourses. The jurisprudence of resistance can therefore be regarded as a strategic roadmap for safeguarding internal security in circumstances where threats increasingly seek to weaken societies from within by transforming their beliefs, values, identities, and patterns of collective action.

References

- Ahmadi Nik, S. M., & Mozaffari Chinjani, S. F. (2023). An Analytical Reappraisal of the Fundamental Principles and Jurisprudential Foundations of Fiqh al-Muqawamah.
- Al-Farahidi, K. i. A. (1988). *Al-Ayn*. Hijrat Publications.
- Al-Hurr al-Amili, M. i. H. (1993). *Wasa'il al-Shi'a*. Al al-Bayt Institute.
- Al-Muzaffar, M. R. (1994). *Usul al-Fiqh*. Islamic Publications.
- Alidoust, A. (2023). *Methodology for Deriving Jurisprudential Propositions of Security*. National Defense University.
- Amiri, A. (2010). *Soft Threat*. Pegah.
- Ansari, M. (1990). *Al-Makasib*. Dar al-Dhakha'ir.
- Asifi, M. M. (2009). *Fiqh al-Muqawamah: Dirasah Fiqhiyyah Muqaranah*. World Forum for Proximity of Islamic Schools of Thought.
- Bojnourdi, S. H. (1998). *Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah*. Al-Hadi Publishing.
- Bojnourdi, S. M. (2000). *Rules of Jurisprudence*. Orouj.
- Dehkhoda, A. A. (1994). *Dehkhoda Dictionary*. University of Tehran.
- Eftekhari, A. (2010). *Cultural Soft War*. Imam Sadiq University Press.
- Fazel Lankarani, M. J. (2019). *Defensive Jihad*. Jurisprudence Center of the Pure Imams.
- Fazel Meybodi, M. T. (1999). *Religion and Freedom*. Negah-e Moaser Publications.
- Hashemi, S. H. (2011). *Soft War: Battle in the Contemporary World*. Office of Cultural and Social Studies and Planning, Ministry of Science, Research and Technology.

- Hosseinihaah, S. J., & Khosravi, M. (2022). The Theory of Defensive Jihad in the Thought of Ayatollah Fazel Lankarani. *Political Jurisprudence Studies*(4).
- Ibn al-Athir, M. i. M. (1997). *Al-Nihayah fi Gharib al-Hadith*. Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Ibn Faris, A. (1983). *Mu'jam Maqayis al-Lughah*. Islamic Propagation Office.
- Khamenei, S. A. (2019). *The Thought of Resistance*. Islamic Revolution Publications.
- Khomeini, S. R. (1985). *Sahifeh-ye Imam*. Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Majnoun Pilehroud, R. (2023). The Discourse of Resistance and Its Impact on the Global Order. *International Relations Journal*.
- Makarem Shirazi, N. (1992). *Tafsir-e Nemuneh*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Mehri, M. J. (2024). *Jurisprudence of Information and Security* (Vol. 2-volume work). Research Institute for Islamic Culture and Thought.
- Mirghaderi, S. F., & Kiani, D. (2012). Conceptualizing Resistance in Islamic Political Literature. *Political Science Research Journal*.
- Momen Qomi, M. (2004). *Al-Wilayah al-Ilahiyyah al-Islamiyyah*. Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Momeni, A., & Rezazadeh, S. H. (2020). Governmental Jurisprudence and the Expansion of the Discourse of Cultural Resistance. *Social Jurisprudence Research*, 11(2).
- Najafi, M. H. (1983). *Jawahir al-Kalam*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Piroozmand, A. (2025). National Resistance, Soft Confrontation, and Related Issues.
- Rajabi, H., & Asadi, H. (2017). The Role of the Culture of Resistance in Internal Security. *Politics Quarterly*(16).
- Safdari, H. (2022). Preliminaries of Soft War / Jurisprudence of Soft War / Book of Jihad. Contemporary Jurisprudence Course
- Saheb, M. J. (2005). *Religion-Culture Relations in Iranian Society*. Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Shahid al-Awwal, M. i. M. (1980). *Dhikra al-Shi'a fi Ahkam al-Shari'a*. Al al-Bayt Institute.
- Shariati, R. (2014). *Rules of Political Jurisprudence*. Research Institute for Islamic Culture and Thought.
- Tabatabaei, S. M. H. (1995). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Islamic Publishing Office.
- Zaki, M. A., & Parsania, H. (2023). Conceptual Analysis of Culture and Civilization. *Cultural-Social Knowledge*(54), 139-154.